

ساخته و بوسیله ارتش ۶ [فرماندهی «آرشیدوک ژوزف» (Archiduc Joseph) و ارتش ۵ (فرماندهی «فن وورم» (von Wurm) اجراء کرد (این دو ارتش ۲۴ لشکر در اختیار داشته و ۹ آنها در احتیاط بوده است) .

اطریشها کلیه متوجه این بودند که باردیگر مانور «کاپرتو» (Caporetto) را بر پایه مبانی جدیدی تجدید نمایند. ولی این دفعه، علاوه بر اینکه بحال خود واگذار شده بودند، بلکه ایتالیاییها نیز نسبت بآنها مزیتی داشتند بدین معنی که حالیه جبهه آنها کوتاه شده و تدارکات آن با راه آهن مجهزی که حرکات قوای احتیاط را بوجه احسن میگرد گاملاً تأمین میکردید | راه آهن چلکه «ونسی» (Vénétie) | بملاوه، لشکرهای فراسوی | ژنرال «گراتسیانی» (Graziani) | و اگلیسی | ژنرال «کاوآن» (Cavan) | هم اینک مأور شده اند که جناح چپ جبهه برد آنها را کاملاً تقویت کرده و بوجه احسن پوشانند.

نبرد، صبح ۱۵ ژوئن، پس از بمباران دو جانبه ای، آغاز گردید: متفقین با اطلاعاتیکه در دست داشتند، از چند روز پیش که منتظر حماه اطریشها بودند با اجرای تیرهای ضدنهبه ای شدیدی مدام مزاحم عملیات آنها میشدند.

جناح راست ارتش «شکنستول» (Schenkenstuel) با مقاومت فرانسویها و انگلیسیها مواجه گشته و آنآ متوقف گردید: جناح چپ آن نیز، پس ازیشروی مختصری، جدوجهدی بخرج داد تا از «منتلو» (Montello) تجاوز کند: ولی در نتیجه مقاومت مجدانه ایتالیاییها مساعی آن عقیم ماند.

در قطعه قسمت سفالی «پیاو» (Piave) «فن وورم» (von Wurm) موفق شد معبر رودخانه را تصرف کند؛ در ۱۶، بکنار ترعه «فوسه تا» (Fosseta) رسید، بدون اینکه بتواند از ترعه مزبور بگذرد. در ۲۰ ژوئن، تلاش نهائی که در «پیاو» بعمل آمد عقیم ماند.

حملات متقابله ایتالیاییها پیش از پیش بر شدت خود میافزودند، زیرا مدام قوای احتیاطی بقضه هائیکه در معرض تهدید دشمن واقع شده بود بکمک اعزام میشد. بملاوه، پیشامد غیر مترقبه ای هم روی کرد و بالتبعه وضعیت اطریشها بوخامت

سخت تری افتاد : بدین معنی که در اثر طوفان و بارندگی شدیدی رود « پیاو » ،
طنیان کرده و پلها را از جا کنده و منهدم ساخت ، و بالنتیجه اطریشها بیکه از
رود گذشته و در ساحل سمت راست آن بودند از رابطه با عقب محروم ماندند .
در ۲۳ ژوئن ، « بوروویچ » (Borövic) امر بعقب نشینی عمومی داد ،
که در سمت مبادی حرکت مجرا گردد ، اطریشها در این عقب نشینی که بزحمت
انجام میدادند . . . ۲۵ تن اسیر ، ۶۳ توپ ، ۱۲۰۰ مسلسل از دست دادند .
متعاقب این شکست فاحش ، کنگاش سختی دربارلمان مجارستان در گرفت ،
« ورشکستگی » یعنی سستی و بیهودگی نقشه عملیات دول مرکزی اعلام گردید .
« لودندرف » باین امر تن درداد که دیگر من بعد بامید اطریش نباشد ؛ از اینروی
توقع خود را محدود کرد باینکه اطریش جبهه ایتالیا را حراست کند ، در مقاومت
بلغارستان همکاری و تشریک مساعی نماید و بالاخره چند لشکری بفرانسه اعزام دارد .
از این بعد ، کمک اطریشها در صحنه عملیات غرب محدود خواهد بود باینکه
۲ لشکر در ژوبه و ۲ لشکر دیگر در پایان اوت بجهت غرب اعزام دارد . ۲ لشکر
دیگر نیز آماده آن خواهند بود که در نیمه سپتامبر با کمال شتاب بصرستان اعزام
گردند ، آن نیز هنگامیکه وخامت اوضاع محسوس گشته و در نتیجه شکست بلغارستان
پهلوی ارتش امپراطوری « هابسبورگها » (Habsbourgs) مکشوف خواهد ماند .



۷ - سومین تعرض آلمانها

(۱۵ - ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۸)

(نقشه شماره ۴۴)

لودندرف ، هنگامیکه برفت در دشمن - ده - دام (Chemin-des-Dames)
حمله ور گردد ، امید وار بود که بلا فاصله بعد تعرض « فلاندر » و « واینز » در سمت
« کاله » (Calais) تجدید نماید : زیرا بعقبده وی متفقین ناگزیر بودند از اینکه ،
برای دفع حمله و لیبهد آلمان ، قوای عمده ای از جبهه انگلیس برداشت نمایند .

چنانکه گفته شد ، تعرض دوومی آلمانها ، اگر هم بر حسب اتفاق بتصرف زمینهای منتهی شده بود ، ارتش ۷ آلمانرا بوضعیت وخیمی انداخته بود ، ناجائیکه لازم بودشکاف باریکی که از « رنس » تا جنگل «رتز» (Retz) آنرا بهم فشرده بود هرچه زودتر توسعه داده شده و بدینصریق وضعیت وخیم آن نرمیم گردد .

از اینرو ، « لودندرف » تا چندی از قصد حمله در « فلاندر » چشم پوشیده و حمله دیگری را که باید بگروه ارتشهای ولیمهد امپراطوری محول گردد ، در نظر میگردد تا آنرا ، این دفعه در «شامپایی» اجرا نماید . چنانکه دیدیم ، سابقاً اوامری برای تجهیز این جبهه داده شده بود . بدینجهت ، تاریخ حمله موکول میشد باینکه استقرار و آرایش کلبه وسائل حمله (توپخانه و عده ها) انجام یابد .

از طرف ترکیب این مانور خوب معلوم میشد که فرماندهی کل نیروی آلمان چه فوآندی بر آن مرتب میگردد از اینرو مقرر داشته بود که :

مرکز ارتش ۷ « فن بِن » (von Böhn) در جنوب « مارن » ، مشرف به « شاتو - نیهری » (Château-Thierry) حمله ور گردد : آنگاه ، جناح چپ این ارتش از دو سمت رودخانه در سمت « اپرینه » (Eperney) پیشروی نماید .

ارتش ۱ | « فن مودرا » (Mudra) ، جانشین « فریتس فن بلو » ، با حفظ ارتباط با جناح چپ ارتش ۷ ، بین « آردر » (Ardre) و « ووری نی » (Vriigny) حمله کند ، برای اینکه از جنوب غربی از « رنس » تجاوز نماید ، و در عین حال ، با جناح چپ ، بین « سن - لئونارد » (Saint-Léonard) و « پرونه » (Prunay) حمله ور گردد .

ارتش ۳ « فن اینم » (von Einem) ، شالون (Châlons) و « ووری نی » (Revigny) را هدف سازد .

بدینصریق ، حمله متمرکزی در سمت « رنس » ، که از هر دو طرف « مارن » بوسیله مانوری در سمت « اپرینه » تقویت گردیده ، وبوسیله نهاجمی روبه « شالون » و « بارلودوک » (Bar-le-Duc) تحکیم میشد ، خطوط برجسته نقشه فرماندهی کل نیروی آلمان را تشکیل میداد . نخستین هدف عملیات وی این بود که از

طریق صرف مرکز مقاومت « رنس » کیسه « شاتو-تیه ری » را توسعه دهد ؛
بعلاوه ، دورنمای پیشروی مساعدی در سمت « شان لن » و « بارلودوک » این امید
را تقویت میکرد که بطور غیر مستقیم سقوط « وردن » و ترمیم جبهه آلمانها در خط
« ایرنه - شان لن - سن میهیل » فراهم گردد . از طرفی هم ، بمناسبت اینکه فرانسویها
قسمت اعظم قوای احتیاطی خود را در منطقه « مندیدیبه - سوا سن - شاتو-تیه ری »
متمرکز ساخته و بدینجهت از تقویت کامل جبهه « شامپانی » بازمانده بودند ، اجرای
این عملیات امر سهل و ساده ای مینمود .

ولیعهد امپراطوری آلمان ، در نتیجه کمک گروههای ارتشی « گالویس » و
« وورتمبرگ » که برای تعویضات فوری وی چند لشکر باو داده بودند ، موفق
شده بود که از ۱۵ ژوئن قوای احتیاطی خود را دیگر بار تشکیل دهد ، از اینرو
تشکیل توده حمله ، با قوای هنگامی معادل ۶۰ لشکر ، برای وی مقدور مینمود .
از طرف دیگر هم ، از آنجائیکه اطمینان بمانوریکه بر علیه « رنس » هدایت
میشد بر پایه و اساس استحکام جبهه بین « مارن » و « ان » ، و مخصوصاً بر حفاظت
و حراست جلگه هائیکه از مغرب مشرف به « سوا سن » است مبتنی بود ، تقویت
تشکیلات فرماندهی این مناطق کمال ضرورت را داشت ؛ برای تأمین این منظور
ستاد ارتش ۹ ، که از رومانی احضار شده بود ، مابین ارتش ۷ و ارتش ۱۸ قرار
گرفته و جبهه بین « اورک » و « او آز » را عهده دار گشت ، و بدین طریق سهولت و
امکان اجرای مأموریت ارتش ۷ را که عهده دار تعرض به « ایرنه » بود ، فراهم ساخت ،
بقسمی که ارتش اخیر بتواند تمام همت و فرصت خود را با اجرای این مأموریت
تخصیص دهد .

بالاخره ، در طی این نبرد ، ولیعهد « باویر » مأمور بود کماکان متوقف مانده و
قوای احتیاطی خود را (در حدود ۳۰ لشکر) کاملاً استراحت دهد . در صورت
پیشرفت عملیات بر علیه « رنس » ، توده توپخانه (۱) فی الفور از « شامپانی » به « فلاندر »

(۱) آلمانها ، با تمام جد و جهدیکه ابراز داشتند ، موفق نشدند بتوپخانه خود بیافزایند
تا حدیکه قادر شوند در آن واحد دو منطقه حمله را تجهیز کنند .

منتقل میشد ، و در شمال « لیس » ، حمله در سمت « کاله » تجدید میکردید .
آلمانها در نبردیکه در نظر داشتند در « شامپانی » آغاز نمایند ، باین فکر بودند همان رویه نبرد های پیش را اعمال کنند ، چه آنکه گوئی نبرد های مزبور فوائد و محسنات این رویه را محرز نموده بود : این سبک نبرد عبارت از این بود که « در استقرار کلیه وسائل نبرد ، کمال اختفاء و استتار بعمل آید ، و پس از انجام مخفیانه مقدمات کار ، تیر های تهیه ای توپخانه با نهایت شدت شروع شده و حریف در زیر توده ابر های متراکمی که از گاز و دود تولید شده باشد غرق گردد ، تا بدین طریق تمام فعالیت مادی و معنوی وی خنثی شده و کلیه قوای او دچار فلج گردد : آنگاه هجوم پیاده نظام ، در تحت پوشش و حفاظت تیر کلیه ادوات ترفیعی ، مسلسل سنگین و بمب افکن اجرا گردد و دشمن اغفال شده را از پای در آورده .

ولی این دفعه ، بخت با آلمانها یاری نکرد ، و از این تدبیر هیچگونه سودی عاید آنها نکشت این عدم موفقیت کامل معلول دو علت بود .

فتوحاتیکه آلمانها از ۲۱ مارس تا ۹ ژوئن بدست آوردند ، جزئیات طریقه نبرد آنها را بر فرانسویها و متفقین آنان مکشوف ساخت ، و از اینرو دشمنان آنها موفق شدند تدابیری بر ضد این طریقه بیابند بنحویکه این سبک نبرد را بوجه احسن خنثی نمایند . تدبیری که متفقین بر ضد طریقه نبرد آلمانها اندیشیده بودند ، همان تدبیری بود که ژرال « پتن » (Pétain) از آغاز سال در طی دستورات خود مقرر نموده بود ، بدین طریق که « عده ها تمام منعقه مضروب را که در معرض بمباران تهیه ای حمله قرار گرفته باشد ، مخفیانه تخلیه نمایند ، و در این حال از نبرد بادشمن احتراز جویند ، مگر در موضعیکه در آنجا پیاده نظام پراکنده حریف بتنهائی بایاده نظام نازه غسی که بوسیله توپخانه ای که به انتظار موقع در کمین نشسته پشتیبانی شده باشد ، تصادم نماید .

بعلاوه ، علی رغم عمل استتاری که آلمانها در ۲۱ مارس و ۲۸ مه اجرا کرده و موفق شده بودند مقدمات کار خود را تا آخرین لحظه پنهان دارند ، این

دفعه جزئیات حمله آنان در نتیجه یک سلسله اطلاعات متقارنی بموقع بردشمن مکشوف گردیده بود: جبهه حمله و هدفهای آن بر فرانسویها معلوم شده بود: در ۱۴ ژوئیه، یعنی در روز پیش از تعرض، فرانسویها حتی ساعت شروع عملیات را هم کشف کرده بودند.

از اینرو، ارتش فرانسه، که از دیر گاهی آرایش آن تقویت یافته و کاملاً اصلاح و تکمیل گردیده بود، اینک فرصتی داشت که در سنگرها و استحکاماتی که بنام «موضع واسطه» بین موضعهای اول و دوم این ارتش واقع شده بود، وسایل مقاومت کاملی فراهم سازد، بقسمیکه بتواند لشکرهای خط مقدم خویش را از آسیب تیرهای تخریبی توپخانه سنگین و بمب افکن های دشمن محفوظ دارد.

ارتش فرانسه هم، که تازه چند هفته ای بود جبهه آن بزحمت استقرار یافته بود، مأموریت داشت در عمق رده بندی کند، تا در راه حفاظت و حراست موضع مقدم خویش محاربه نماید.

از طرفی هم، قوای کمکی عمده ای، بتقویت گروه ارتشهای مرکزی تخصیص داده شد، تا در نتیجه این واحد بزرگ بتواند در سرتاسر جبهه ای که در معرض تهدید آلمانها بود، از حوالی غربی «شاتو - نیه ری» تا «آرگن»، آرایش خط مقدم خود را تعدیل کند، یعنی در هر نقطه ای از خط مقدم که دارای قوای انبوهی باشد عده هائی برداشت نموده و بالشکرها تیکه بدین طریق صرفه جوئی میشوند خط دومی تشکیل دهد.

ستاد ارتش و (۱) مأمور گردیده فرضیه های مختلفی برای شکافتن جبهه دشمن بررسی کند، تا در مناطقی که شکاف میسر باشد فرماندهی عملیات را عهده دار گردد.

بالاخره، در ۱۲ ژوئیه، فرمانده کل نیروی فرانسه شرایط مانور و چگونگی اعمال آنرا مقرر داشت.

(۱) از ارتشهایی بود که سابقاً تحت فرماندهی ژنرال «دومیتری» (de Mitry) و «فلاندر» مأمور شده و بعد بنطقه «پروون» (Provins) احضار گردیده بود.

گروه ارتشهای مرکزی (ارتشهای ۴ ، ۵ و ۶) مأمور شدند نخست پیوستگی
جبهه خود را حفظ نمایند ، و سپس همینکه دشمن متوقف شد بتعرض متقابله ای
پردازد .

گروه ارتشهای احتیاطی هم عهده دار گردید که باحفظ ارتباط با گروه ارتشهای
مرکزی خود را آماده حمله نگاهدارد ، نادر دو سمت اورك ، (Ourcq) بحمله
پردازد بمنظور اینکه از فرو رفتگی حاصله در خطه شاتو - تیری ، بکاهد .

در ۱۴ ژوئیه ، ساعت ۲۳ ، تیرهای تهیه ای نوبخانه آلمانها آغاز گردید . در
۱۵ ، ساعت ۴ و ۱۵ ، پیاده نظام آنها عازم هجوم شد .

در مشرق « رنس » ، حمله آلمانها در داخل موضع های اولیه فرانسویها
در هم شکست . در پهلو شمالی کوه « رنس » نیز « مابین شهر و دره » آردر ،
(Ardre) ، حمله مزبور با مقاومت فرانسویها مواجهه شده و متوقف ماند . بالعکس ،
در پهلو غربی ، پیشرفت های عمده ای عاید آلمانها شد : « مابین « ژولگن »
(Jaulgonne) و « درمانس » (Dormans) ، آلمانها موفق شدند از « مارن »
گذشته و در سمت « اپرنه » (Epernay) پیشروی نمایند .

در قبال این پیشرفتها ، فرماندهی قوای آلمان ، در نیمه روز ۱۶ ، امر کرد
که حملات ارتشهای ۱ و ۳ بین « لامن دو ماسیز » (la Main de Massiges)
و « رنس » موقوف شده و فقط بحملات جناح چپ ارتش ۷ و جناح راست ارتش ۱
که سقوط « رنس » را هدف ساخته اند ، ادامه داده شود . شب هما نروز ، حمل
نوبخانه سنگین و بمب افکنها از « شامپانی » به « فلاندر » آغاز گردید .

ولی در طی روز ۱۷ ، کلیه مساعی ارتش ۷ آلمان بمنظور پیشروی در سمت
« اپرنه » بی نتیجه ماند . لشکر های آلمانی که بجنوب « مارن » تجاوز کرده
بودند دچار وضعیت بدی شدند ، زیرا بمباران توپها و هوا یماهای فرانسوی پلها
را تخریب نموده بود . از طرفی هم ، ارتش ۱ آلمان محتاج فرصت چند روزه ای
بود ، نا اینکه موفق شود دیگر بار وسائل حمله دیگری را فراهم ساخته و « رنس »
را هدف سازد .

در شب بین ۲۰ و ۲۱، ارتش ۷ آلمان ساحل سمت جیب «مارن» را تخلیه کرد؛ گروه ارتشهای ولیمهد آلمان دیگر بار بوضعیت تدافعی در آمد. تا این موقع، چنین بنظر میرسید که نتیجه نهائی عملیات محرز شده است. لهذا، «لودندرف»، که گوئی از این لحاظ ایمن شده بود، بملاقات ولیمهد «باویر» شتافت، تا اینکه جزئیات حمله ای را که بنا بود قریباً در «فلاندر» اجرا شود حضوراً طرح کرده و باوی حل کند. صبح روز ۱۸، «لودندرف» و ولیمهد، هنگامیکه مشغول طرح ریزی این حمله بودند، گزارشی دریافت کردند مشعر بر اینکه فرانسویها «در جنوب» سوا سن «بشکافتن جبهه موفق شده اند». بدینطریق، تعرض نهائی آلمانها بشکست جبران ناپذیری منتهی گردیده بود. اینک متفقین، دیگر بار ابتکار عملیات را در دست گرفته و بر دشمن سبقت میجویند. اکنون دیگر نوبت بآنها رسیده است که نبرد را تافیح نهائی تعقیب نمایند.



عملیات در جبهه روس

بطوریکه مسبقاً در عملیات جنگی در صحنه روس و رومانی در پائیز موقوف گردیده و بمتارکه جنگ منجر شد. وچنانکه قبلاً شرح دادیم روز ۲۲ نوامبر ۱۹۱۷ مذاکرات صلح در «برست-لیتوسک» بین نمایندگان متحدین و دولت شوروی آغاز گردید. روزه ۲۵ دسامبر ۱۹۱۷ نماینده اطریش «کنت» چرین «بنام چهار دولت متحد پیشنهاد کرد که معاهده صلح پیشنهادی بدون تصرفات زیاد و بدون تأدیة خسارت جنگ پذیرفته شود. چون شرایط مذکور مخالف آمال لودندرف بود لذا مشارالیه مخالفت نمود و جدیت کرد که مذاکرات «برست-لیتوسک» را خنثی نماید (ولی پس از انعقاد صلح با «اوکرانی» که از روسیه مجزا شده بود) : موضوع اخیر از لحاظ بدست آوردن نان «اوکرانی» برای دول مرکزی کمال اهمیت را داشت. روز ۹ فوریه ۱۹۱۸ معاهده صلح با «اوکرانی» که (نخستین معاهده صلح این جنگ بشمار میرود) منعقد گردید. دولت «اوکرانی» در قبال شناسائی استقلالش و ضمیمه شدن

یکقسمت «خلمشجینی» از لهستان بخاک او وابستگی کامل اقتصادی خویشرا نسبت بآلمان و اطریش تثیت نمود، ضمناً قوای اطریش و آلمان بمنظور «نعاون متقابلۀ اقتصادی» شهرهای «کی بو» (Kiew)، «ادسا» (Odessa) و تقریباً تمام خاک او کرانی راناشهر «رستو» (Rostow) و دریای سیاه تحت اشغال در آوردند. آلمانها پس از خانمه دادن بعمل «او کرانی» مذاکرات خود را با روسیه قطع نمودند و به اظهارات دولت شوروی که خواهان جنگ نیست و قمی نگذاشته و بر علیه قوای پوشش روسها که در مرز قرار گرفته بود اقدام بعملیات نمودند تا آنها را برای مخالفت با تقاضاهای لوندنرف مجازات کنند.

عملیات فرماندهی آلمان در داخل خاک روسیه، که بدون مدافع بود، یکجانبه بوده و جنبۀ نظامی نداشت؛ عملیات مزبور برای طرفین متضمن عواقب وخیمی بود. قوای اعزامی آلمان که بداخل خاک روسیه و «او کرانی» پیش میرفت، با وجود سرفه جوئی لازم، بمیزان معتناهی بالغ میگرددید لذا بهمان میزان از قوای آلمان در صحنۀ فرانسه، موقعیکه سر نوشت جنگ صورت قطعی بخود میگرفت کاسته میشد.

دولت شوروی در قبال فشار لوندنرف برای قبولادن شرایط صلح ضرورت داشتن قوا را حس کرده و سریعاً بتشکیل ارتش سرخ پرداخت.

در این اردو کشی آلمانها با کمال سهولت بهخط ناروا (Narwa)، پسکو (Γskau)، پلانسک (Polotzk)، ارشا (Orscha)، موگیلیف (Mogilew) رسیدند و دولت شوروی را پذیرفتن شرایط صلحی که منظور آنها بود وادار نمودند، (گرچه صلح مزبور بیش از چند ماهی دوام نکرد).

روز ۳ مارس شرایط صلح بامضاء رسید. شرایط مزبور متضمن الغاء بسیج تمام نیروی زمینی و دریائی روس و چشم پوشی روسیه از لهستان، لیتوانی و کورلاند بود که سر نوشت آنها را بعداً دول مرکزی تعیین نمایند: «لتنی» (Lettonie) و «استونی» (Esthonie) را نیروی آلمان اشغال کرده بود و بقبۀ خاک روسیه را که آلمانها تحت اشغال در آورده بودند تا صلح عمومی در دست آنها باقی ماند.



یشروی آلمانها در خاک روسیه
(طاقل صفحه ۶۲۰)

روسیه استقلال کامل «اوکراینی» و «فنلاند» را با واگذاری «باطوم» و «قارص»
بترکیه برسمیت شناخت.

لودندرف نظیر همین سیاست را تقریباً نسبت به فنلاند و لهستان اعمال میکرد.
قوای آلمان بیهانه استقرار نظم و آرامش داخل خاک «فنلاند» شد، از آن تاریخ
«فنلاند» در حقیقت تحت الحمايه آلمان واقع گردید. اشغال «فنلاند» از طرف
آلمانها موضوع مهمی را مورد توجه طرفین متخاصم قرار میداد. در نزدیکی مرز
«فنلاند» راه آهن «مورمان» که به یگانه بندر غیر منجمد روسیه منتهی میشد،
عبور میکرد. علت اصلی اعزام قوای آلمان به «فنلاند» در باطن برای قطع راه
مزبور و تصرف ذخائر فراوان «مورمان» و اشغال آن نقطه بمنظور جلوگیری از
پیاده شدن قوای انگلیس بود.

چون «مورمان» از طرف آلمانها مورد تهدید واقع شده بود لذا انگلیسها
آن نقطه را اشغال کردند.

نسبت به لهستان آلمانها اصرار ورزیدند که «بلوستوک» (Belostok)
و «گرودنو» (Grodno) به لیتوانی، و «خلم» (Cholm) به اوکراینی
واگذار شود.

در ۵ مارس بارومانی صلح منعقد گردید. رومانی «دوبروجا» را ببلغارستان
و تمام معابر کاریات را در سر راه مجارستان ببلغارستان واگذار کرد.

در ۲۰ مارس در جبهات روس، رومانی و فنلاند جمعاً ۸۰ لشکر باقیماند که
از آنها ۴۶ لشکر آلمانی، ۳۲ اطریش و ۲ بلغار بود. فرماندهی آلمان با اتخاذ
تدابیر نظامی و سیاسی در شرق در نظر داشت که وضعیت خود را از هر جهت در آن
سمت تأمین سازد.

قوای آلمان وضعیت ذیل را دارا گردید: در جناحین اوکروههای قوی در
«فنلاند» و «اوکراینی» پیشرفته بود و بوسیله خفلی نسبتاً ضعیف که از طریق «استونی»
لتونی و روسیه، میگذشت متصل میگرددیدند.

بنا بر اظهار لودندرف، آلمانها بواسطه موقعیتی که در شرق بدست آورده بودند

معاصرۀ اقتصادی متفقین را درهم شکسته و از سمت جبهۀ روس خود را تأمین ساختند. در همان موقع عثمانیها در صحنۀ ارمنستان در اراضی که روسها تخلیه کرده بودند و در ماوراء قفقاز شروع بنعروض نمودند. بدین طریق تصور میرفت که مرام اتحاد اسلام عملی گردد.

نعروض عثمانیها به مبعث افسران آلمانی در قفقاز تلفات سنگینی باهالی بعمل و عساکر عثمانی وارد ساخت.




عملیات انگلیسها در آسیا

عملیات انگلیسها در بین النهرین و فلسطین از پائیز سال ۱۹۱۷ ادامه داشت، اینک ما عملیات مزبور را که تأثیر مستقیمی در وقایع اروپا نداشت تا آخر سال یکجا شرح میدهیم.

عملیات در بین النهرین و سوریه

انگلیسها پس از تصرف « بیت المقدس » پیشروی خود را بسمت شمال بطرف « الریاح » (Jéricho) و « ره » ادامه میدادند، در همان حال ستونهای متحرکی بسمت مشرق، بجانب « عمان » برای استقرار ارتباط با اعراب روانه داشتند، اعراب مزبور بر اثر مواعیدی که متفقین در ایجاد استقلال آنها داده بودند تشویق شده و از سمت جنوب بطرف « عمان » مشغول پیشروی بودند.

روز ۲۱ فوریه عثمانیها « الریاح » را بر اثر تهدید سوار نظام انگلیسی  از سمت جنوب مشغول حرکت دورانی بود تخلیه نمودند و بساحل شرقی رود « اُردُن » (Jourdain) عقب نشستند ولی سرپل را در ساحل غربی در دست نگاهداشتند. انگلیسها تا نزدیکی بهار بسمت جنوب تا « بحر البیت » پیش رفته و در آنجا موقعت مستحکمی احراز نمودند.

در « الریاح » (Jéricho) انگلیسها ستون متحرکی که قسمت پیشتر آن مرکب از

سوار نظام بود تشکیل داده و بسمت « عمان » سوق دادند .

روز ۲۹ مارس ، شهر مزبور را تصرف کردند ، ولی کامیابی انگلیس ها دوامی نداشت .

عثمانیها که از جبهه قفقاز فراغت حاصل نموده بودند قسمتهای ارتش چهار خود را در جنوب « عمان » متمرکز ساخته و قوای انگلیس را مورد حمله قرار دادند ، انگلیسها قوای خود را مجدداً بجانب رود « اردن » پس نشاندند . عملیات موقتاً موقوف گردید چه طرفین خود را برای مبارزه قطعی در « فلسطین » آماده میکردند .

نهیة عملیات جدید چهار ماه ادامه یافت و مقارن ۱۸ سپتامبر طرفین وضعیت ذیل را داشتند :

جناح راست انگلیسها به « بحر الميت » و قسمت سفلی رود « اردن » متکی بود و در آنجا دارای سه سرپل بودند . بعدخط جبهه آنها بسمت شمال غرب از طریق « رفه » میگذشت و در شمال « یافه » بدریا متصل میشد . نوده اصلی قوای احتیاطی انگلیس و وسایل هوا پیمائی آنها در عقب جناح چپ تمرکز یافته بود ، و یکقسمت آن در مرکز بین « بیت المقدس » و « بیتین » (Beitin) قرار گرفته بود . قوای کلی انگلیسها کماکان در حدود ۱۳ تا ۱۴ لشکر پیاده بود . در تابستان بقوای مزبور ۵ لشکر (که از صحنه اروپا برداشت شده بود) علاوه شد .

عثمانیها در مدت تابستان قوای نیرومندی در فلسطین فرماندهی ژنرال آلمانی « ایمان فن ساندرس » تمرکز دادند . ارتش ۸ در ناحیه « تل کرم » (Tul-Karam) ارتش ۷ در ناحیه « نابلیس » (Naplouse) و ارتش ۴ بین « اردن » و « عمان » تمرکز یافتند . ضمناً عثمانیها توجه خاصی بجناح چپ خود نمودند و سعی میکردند که عملیات اعراب و انگلیسها را از یکدیگر جدا سازند و انگلیسها را بطرف دریا برانند . برای این مقصود ارتش ۴ را در جبهه ای بطول ۲۰ کیلومتر مستقر نمودند ، در سورنیکه ارتشهای ۷ و ۸ جبهه ای بطول ۸۰ کیلومتر اشغال کرده بودند .

لقشه انگلیسها عبارت بود از نگاهداری قسمت سفلی « اردُن » و و وارد ساختن ضربت اصلی بوسیله حرکت سریع در امتداد ساحل دریا و بعداً اجرای گردش جناح چپ بجلو برای قطع راه عقب نشینی ارتشهای عثمانی بسمت شمال .

بامداد ۱۹ سپتامبر حمله اصلی بین دریا و « رفه » شروع شد و در طرف همان روز عثمانیها بعقب رانده شدند و انگلیسها ۲۰ کیلومتر در امتداد ساحل پیشرفته ، در حالیکه قوای سوار آنها که پیشاپیش حرکت میکرد ، موفق شد در آنروز « تل کرم » (Tul-Karam) را که مرکز مهم خطوط آهن بود تصرف نماید .

در ۲۰ سپتامبر مرکز ارتش انگلیس نیز در سمت « نابلیس » شروع بتعرض نموده در حالیکه جناح چپ مشغول اجرای گردش بود در مغرب « نابلیس » جبهه بسمت شرق آرایش گرفت و عثمانیها را که در آن حدود متمرکز بودند با این عمل گازانبری خود مورد تهدید قرار داد . در همان حال سوار نظام انگلیس اقدام بعلی یک منزل ۶۰ کیلومتری در سمت شمال بعرف دریاچه « طبریّه » (Tibériade) نموده و خط آهن را در « بیضانه » و الفولجه « تصرف نمود .

در ۲۱ سپتامبر سواره نظام انگلیس معابر رود « اردُن » را در جنوب دریاچه « طبریّه » تصرف کرد و بدین وسیله کاملاً راههای عقب نشینی عثمانیها را بطرف شمال قطع نمود و آنها را مجبور ساخت بسمت مشرق « اردُن » عقب نشینی کنند و در آنجا قوای اعراب که در امتداد خط آهن از « معن » (Maan) بسمت « عمان » و « دراعه » (Deraat) پیش میرفتند ، بکلی آنها را متلاشی نمودند . بقیه ارتش عثمانی بسمت « دمشق » عقب نشست ، ارتشهای ۷ و ۸ آنها قابلیت جنگی خود را از دست دادند و راه برای انگلیسها بسوریه باز شد .

در ۲۸ سپتامبر ارتش انگلیس در جبهه « دراعه » - سن ژان دارك « استقرار یافته بود . روز اول اکتبر انگلیسها « دمشق » را که گرسی نشین سوریه بود تصرف نمودند این موضوع بامنافع فرانسه که از سالیان دراز در آن سرزمین دارای نفوذ بود تولید استعجاب می نمود .

فرانسویها با کمال شتاب روز ۱۷ اکتبر بوسیله ناوگان خویش ، بیروت ، را

اشغال نمودند . روزه ۱۰ اکتبر سوار نظام متفقین «طرابلس» (Tripoli) را اشغال کرد
و روز ۲۷ به «حلب» که مرکز مهم راه آهن بود رسید .

عملیات در بین‌النهرین

در آغاز سال ۱۹۱۸ در بین‌النهرین فرماندهی قوای بجای ژنرال «مد» که
قوت نموده بود ژنرال «مارشال» بهمهده گرفت، ژنرال مزبور که موقتاً پیشرفت تعرض
را در امتداد رود «دیاله» متوقف ساخت، در امتداد «فرات» اقدام بتعرض نمود .
انگلیسها پس از تأمین جناح چپ خود مجدداً بوسیله جناح راست خویش
بتعرض مبادرت نمودند و در ماه آوریل پس از فتح درخشانی «طاوق» را تصرف
کردند و در اواسط ماه مه عثمانیها را بسمت رود «زاب علیا» عقب راندند .

در ماه سپتامبر، مقارن تعرض انگلیسها در فلسطین و سوریه، ژنرال «مارشال»
پیشروی جناح راست خود را ادامه داد .

روز ۲۴ اکتبر پس از نبرد شش روزه انگلیسها «کرکوک» را تصرف کردند .
عثمانیها تسلیم شده و راه «موصل» را باز کردند و انگلیسها روز ۳۱ اکتبر آنجا را
اشغال نمودند .

ولی در روز ۳۰ اکتبر عثمانیها متارکه جنگ را با متفقین در «مودروس»
(Maudros) امضاء نمودند .

بخش بیستم

عملیات جنگی در سال ۱۹۱۸

(پایان جنگ)

- ۱ - وضعیت متفقین و آلمان در ۱ ژوئیه ۱۹۱۸.
- ۲ - تعرض متقابل در ۱۸ ژوئیه .
- ۳ - «دستور» ۲۴ ژوئیه فرمانده کل نیروی متفقین .
- ۴ - «دستور» سوم سپتامبر - حملات متراکز .
- ۵ - «دستور» دهم اکتبر - پیشروی درست موز .
- ۶ - وضعیت آلمان در ۱۱ نوامبر - تسلیم .
- ۷ - فتح متفقین در شرق .
- ۸ - تعرض ابطالیاتها .

۱ - وضعیت آلمان و متفقین در ۱۵ ژوئیه ۱۹۱۸

تهیه تعرض متفقین

هنگامیکه آتش تعرض سوم آلمانها فروخته شده بود ، باید بینیم که طرفین متخاصم با چه وضعیتی مواجه بودند .

وضعیت آلمانها ، از لحاظ موقعیت مادی و معنوی آنها ، از اینقرار بود :
با ۱۰ لشکر دیگری که آلمانها از ۲۱ مارس از جبهه شرق برداشت کرده و بجهت غرب اعزام داشته بودند ، جمعاً ۲۰۷ لشکر آلمانی در جبهه فرانسه ، انگلیس و بازیک حضور داشتند . در میان این ۲۰۷ لشکر ، ۸۱ لشکر احتیاطی یافت میشد که نصف آنها در منطقه گروه ارتشهای ولیمهد آلمان ، و ۳۰ لشکر دیگر آنها در منطقه عملیات ولیمهد « باویر » ، و بالاخره بقیه آنها در قطعه های آرام گروه

ارتشهای «گالویتز» (Gallwitz) و گروه ارتشهای «دوک دو وورتمبرگ» ،
مأموریت داشتند . بیش از نصف کلیه این لشکر ها تازه نفس بودند ، ۳۰ لشکر
دیگر آنها هم اخیراً ترمیم یافته و تکمیل شده بودند . از اینرو ، در آن موقع نیز ،
ارتش آلمان هنوز «ماشین جنگی» بسیار با عظمتی بود .

وای روحیه عده ها بالعکس دچار انحطاط شده بود . روزها قبل تعرض ۲۱ مارس ،
سراز آلمانی را پایان جنگ امیدوار کرده و باو نوید داده بودند که این
نبردی است که بفتح نهائی منتهی خواهد شد ؛ روزها قبل تعرض دوم نیز ، او را
دیگر بار با همین وعده و نوید امیدوار کرده بودند ، و او نیز در دفعه دیگر بقول
رؤساء اعتماد نموده بود . با همه این وعده ها ، اینک در دفعه سوم تلاش عظیمی ،
سخت تر از تلاش اول و دوم ، بوی تکلیف میکردند . نخست باید بخاطر داشت
که ارتش آلمان ، یعنی همان ارتش يك جهت و بکنواخت آغاز جنگ جهانبگیر ،
از دیر گاهی از بین رفته و اکنون دیگر وجود نداشت ؛ اکنون لشکرهای مختلفی
وجود آمده بود ؛ من جمله لشکرهای «مهاجمی» (Sturm divisionen) که حمله ور
میشدند ، لشکرهای «پشتیبانی» (Verfolgungs divisionen) که حمله را تعقیب
میکردند . و لشکرهای «قصدی» (Grabens divisionen) که تماشاچی
حمله بودند . در این هنگامه همین ها هستند که «همیشه خود را بکشتن میدادند» ؛ از
استعداد و ارزش جنگی مجموع قوا کاسته میشد ، و بالاخره ، اعتماد و اطمینان
فرماندهی بهمان تعداد واحدهائی که همه روزه کشته شده و تقلیل می یافتند محدود
میکردید ؛ و از اینرو مشکلات فرماندهی بیش از پیش رو بغزونی میگذازد .

در داخله کشور نیز ، همین انحطاط روحی مشهود میشد . یادداشتهای «گنت
لیخنووسکی» (comte Lichnowsky) در زمینه اعتراف مسئولیت های کمربشکنی
که بمناسبت تحریک مخاصمات بدولت آلمان متوجه میشد . نطق ۲۱ ژوئن ۱۹۱۸
«فن کوهلمان» (von Kühlmann) ، وزیر امور خارجه آلمان ، در مجلس

« ریخستاگ » (Reichstag) مشعر بر اینکه « دیگر ممکن نیست نتیجه نهائی جنگ را در میدان نبرد بدست آورد » ، شکست اطریشها در جبهه ایتالیا ، تمام اینها مسائلی بودند که جامعه آلمانی را بفکر انداخته و سخت منقلب میگرداند . اینک در نتیجه انتشار این قبیل مسائل ، حقیقت نهفته ای که از دیر زمانی از جامعه مخفی میگردند علنی میشد : اینک آلمانیها میدیدند که دولت نیز ، در تحت تأثیر این وقایع ، گمراه شده و از راه چاره جوئی عاقلانه منحرف گردیده است . در زمینه اقتصاد نیز ، روز بروز بر وخامت اوضاع افزوده شده و زندگی مشکل تر میشد ؛ دولت امیدوار بود که تا رسیدن محصول ، بوسیله مصادره ای که با قوای نظامی در « اوکراینی » بعمل آمده بود ، زندگی عمومی را بنحوی بر گذار کند .

در قبال چنین وضعیتی ، « لودندرف » مردد مانده بود که آخرین تشبث خود را اعمال کرده به تعرض سوم پردازد . حتی ، لحظه ای نیز از این تعرض منصرف نشده و بفکر افتاده بود بمدافعه استراتژیکی متوسل گردد . ولی اندکی بعد ، از این فکر هم چشم پوشید . اتخاذ روبرو تدافعی بمنزله آن بود که شکست ارتش آلمان بملت آلمان اعلام گردد ؛ با این خط مشی ، میبایستی عده ها را وادار کرد که با وسائل محدود و روحیه نازلتری حمله دشمن را تحمل نمایند ، و حال آنکه دفع حمله دشمن خیلی بیش از تعرض اشکال داشته و فداکاریهای بیشتری ايجاب میکرد .

بنا بر این دلایل ، « لودندرف » اجار تعرض ۱۵ ژوئیه تن در داد . ولی این تعرض توفیق نیافت ، زیرا متفقین موفق شدند ، اولاً در موقع مناسبی بجزئیات نقشه آن واقف گردند ، و ثانیاً در قبال یگانه ضربت يك نواختی که آلمانیها تکرار و تجدید میگردید ، عاقبت ندایر مؤثری بیاندیشند .

در همان حین که سخت دول مرکزی رو بزوال میرفت ، اقبال متفقین بلند میشد . فرانسویها ، اگر هم بمناسبت قلت عده ها موفق نمیشدند بشماره واحدهای خود بیافزایند ، لاقول مساعی بسیاری اعمال میگردید تا از شماره آنها نگاهند ؛ از لحاظ اهوات جنگی در قسمت توپخانه توسعه یافته و به شماره واحدهای نیروی هوایی

آنها افزوده میشد ، بالاخره ، ساخت ارا به های سبك را هم با كمال فعالیت تعقیب میکردند ، و اینك ارا به های جنگی بتعداد زیادی در جبهات ظاهر میشدند ، تادر آنبه نزدیکی صرفه جوئی تیر های تهیه ای توپخانه را فراهم ساخته و مخصوصاً حملات را از طریق غافلگیری تسهیل نمایند ، و بدین طریق در ردیف مؤثرترین عناصر اصلی موفقیت قلمداد گردند .

انگلستان هم مدت خدمت نظامی را تمدید داده و از میان کارگران معادن و کارخانجات برداشتهای عمده ای بعمل آورده بود . از ماه مارس ، در نتیجه این اقدامات ، موفق شده بود ۳۲۰،۰۰۰ نفر سرباز بكمك واحدها بجهت غرب اعزام دارد ، تا بدینوسیله كسورات واحدهای محارب را تکمیل نماید .

بالاخره ، پس از تخصیص تمام ظرفیت کشتیهای موجوده برای حمل و نقل ارتشهای امریکائی از امریکا باروپا ، از ظهور امریکائیها در جبهه غرب نتایج رضایت بخشی عاید میشد . در ۴ ژوئیه ، یعنی در «روز استقلال» (Independance Day) که تاریخ اعلان استقلال دول متحده امریکا است ، ژنرال « پرشینگ » متجاوز از يك میلیون سرباز امریکائی در فرانسه در اختیار داشت ؛ ۷۵۰،۰۰۰ نفر اذسر بازان مزبور عبارت از سربازان جنگی بودند که عده های محارب امریکائی را تشکیل میدادند .

فرمانده کل نیروی متفقین نیز ، برای تهیه طرح «واژگونی نبرد» ، یعنی برای تبدیل حالت تدافعی ارتشهای متفقین بحالت تعرضی ، باین انتظار نماانده بود که بخت بامتفقین یاری کند .

از ۳ آوریل ، که حمله آلمانها در «آمین» بتازگی دفع شده بود ، در طی دستوری خطاب فرماندهان کل یروهای انگلیس و فرانسه ، اراده خود را در زمینه سبقت در عملیات ابراز داشته و مقرر نموده بود که مقدمات حملاتی ، بمنظور رهائی «آمین» و راه آهن « سن - ژوست - آن - شوسه » ، فراهم گردد .
تعرض آلمانها در «فلاندر» اجرای این دستور را ممتنع کرده بود ، همانطوریکه

حمله ۲۸ مه نیز مانع از این شده بود که گروه ارتشهای احتیاطی مانوری در سمت «روای» (Roye) اجراء کند، تا در نتیجه پهلوئی حریف را از «لاسی نیسی» (Lassigny) تا «من دیدیه» بمقب نشینی وادار سازند.

در فردای نبرده «ان»، که فرانسویها را از راه آهن خط «لاسی» - شائون - پاریس (Nancy-Châlons-Paris) محروم میکرد، فرمانده کل ارتشهای متفقین، که میخواست بدون فوت وقت از موقعیت باریک لشکرهای آلمانی که در فرورفتگی «شائون» - تیهری، وارد شده بودند استفاده نماید، در ۷ ژوئن ژنرال «پتن» مقرر نموده بود اجرای تعرضی را، که ارتش «پتن» و «مارن» باید اعمال کند، بررسی کرده و طرح ریزی نماید. و در ۱۴ نیز بوی دستور داده بود که عملیات متقارنی روی جبهه ارتش ۱۰، در ساحل سمت جنوبی «ان» در سمت «سوانسن» برانگیزد.

بدین طریق، با وجود ضربتهای مکرری که آلمانها مینواختند، اراده تعرض و حمله در فکر فرمانده کل ارتشهای متفقین کاملاً حکم فرما بود. از طرفی هم، ژنرال «پتن» بسهم خویش طرق مخصوصی که مناسب عمل غافلگیری بوده و اثرات این عمل را تضمین میکرد بمجربان عملیات تلقین مینمود (استتار عملیات مقدماتی، تیرهای نهیه ای شدید و کوتاه بوسیله توپخانه، عزیمت بحمله در سپیده دم).

وای، برای اجرای این تعرض متقابل، اراده تعرض مکفی بوده، بلکه وسائل آن نیز بایستی فراهم گردید، و برای تأمین این منظور ارتش فرانس که تا «فلامدر» گسترده شده است جمع آوری شده و متمرکز گردد، و تحرک استراتژیکی فوای احتیاطی هم تأمین شود.

در انجام این منظور، ژنرال «پتن» موافقت ژنرال «پرشینگ» را تحصیل نمود برای اینکه لشکر امریکائی، که در قطعه انگلیسها در تحت تعلیمات قرار گرفته بودند، بقسمه های آرامی اعزام گردیده و با لشکرهای فرانسوی تعویض

شوند. بعلاوه، مارشال «هایگ»، نیز دعوت گردیده باینکه «قسمت مجزای ارتش
فلاندر» را (۶ لشکر با توپخانه عمده) آزاد کند.

در ۱۲ ژوئیه، هنگامیکه ستاد ارتش فرانسه بوسمت جبهه حمله دشمن (۹۰ کیلومتر،
یعنی ۲۰ کیلومتر بیش از جبهه حمله ۲۱ مارس) واقف گردید، فرمانده کل قوای
متفقین و لشکر انگلیسی به «شامپانی» اعزام نمود، زیرا یقین داشت که دشمن
آن وسائل را ندارد که در آن واحد در «فلاندر» هم بحمله پردازد.

در شب ۱۴ ژوئیه، شماره لشکرهای متفقین که بنا بود در نبرد شرکت نمایند
به ۷۰ بالغ میشد: یعنی ۵۷ لشکر فرانسوی (متجاوز از نصف کلیه قوای فرانسه)،
۷ لشکر امریکائی، ۲ لشکر ایتالیائی و ۴ لشکر انگلیسی، یک تکت این توده
برای آرایش تعرض متقابل تخصیص داده شد، برای اینکه حمله آلمانها را جابجایی کند.
این آرایش بشرح ذیل بود:

ارتش ۱۰ مأموریت داشت با ۱۸ لشکر (که ۲ لشکر آنها امریکائی و ۲ لشکر
دیگر آنها انگلیسی بود) متکی به پشتیبانی ۴۷۰ آتشبار، ۳۷۵ ارابه جنگی سبک
و ۴ گروه هواپیمائی، مابین «یان» و «اورک» (Ourcq) حمله نماید. بمناسبت
کثرت ارابه های جنگی، بنا بود این ارتش، بدون اجرای تیرهای تهیه ای توپخانه،
از طریق غافلگیری حمله ور گردد.

ارتش ۶ مأمور بود با ۹ لشکر (که ۳ لشکر امریکائی بود) متکی به پشتیبانی
۳۳۰ آتشبار، ۱۷۰ ارابه جنگی سبک و ۲۸ گروه هواپیمائی، مابین «اورک» و
«مارن» حمله کند: برای حمله این ارتش، اجرای تیرهای تهیه ای توپخانه، نهایت
باختصار، منظور گردیده بود، بنحویکه عمل تهیه توپخانه از یک ساعت ونیم تجاوز ننماید.
بدین طریق، در همان حینی که تسبیقات ببرد تدافعی داده میشد (چنانکه
پیشرفت های درخشان آنها در طی بخش سابق شرح داده شده است) تعرض متقابل
عظیمی هم درخفا طرح ریزی میگردد: در صفحات آینده خواهیم دید که این تعرض چه
نتایج بزرگی در برداشته و چگونه «راه فتح و ظفر را» را بروی متفقین باز کرده است.

۲ - تعرض متقابله ۱۸ ژویه متفقین (نقشه شماره ۴۴)

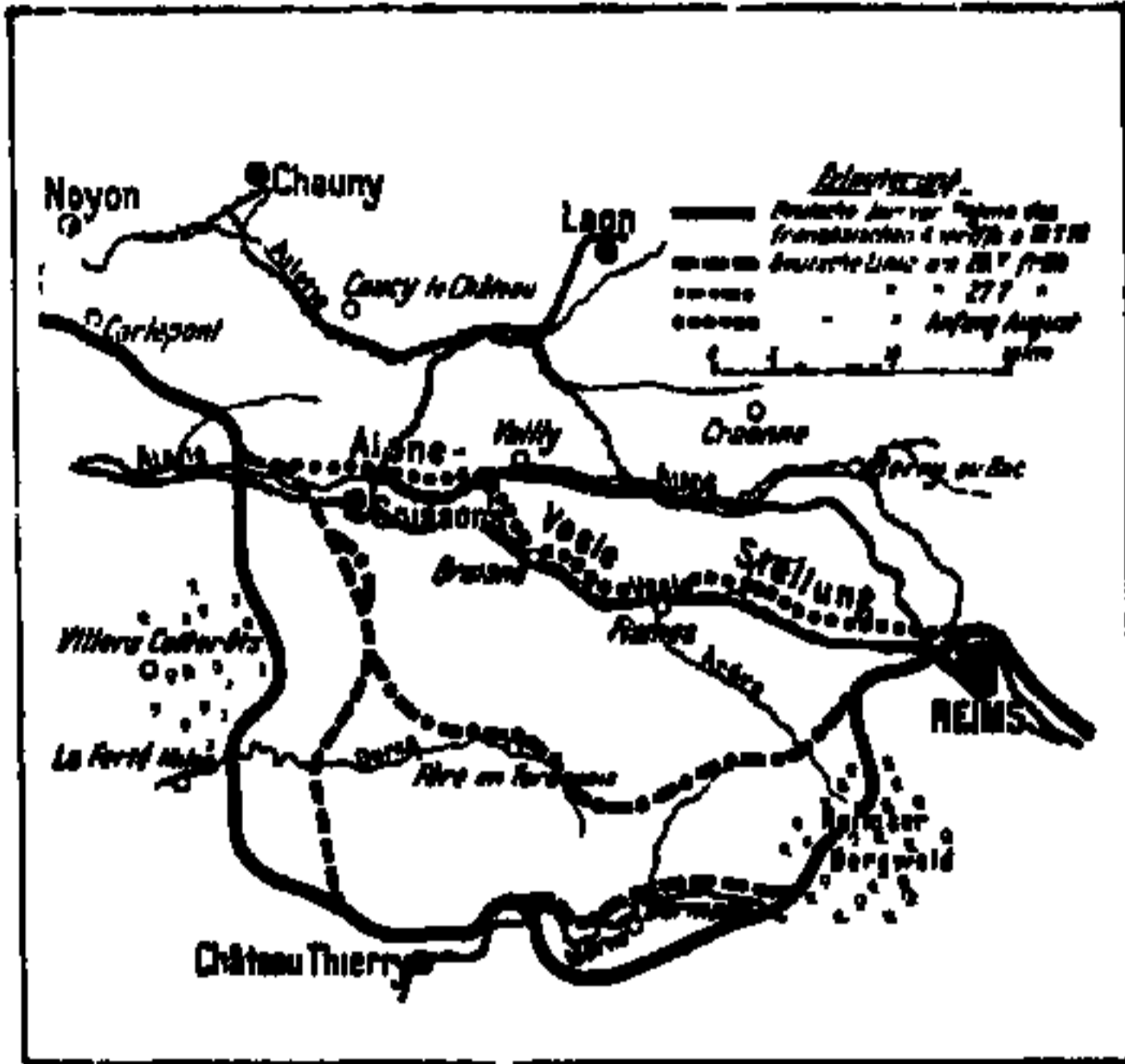
صبح ۱۸ ژویه ، حمله متفقین آغاز گردید . آلمانها ، از آلبانیکه بوجه احسن غافلگیر شده بودند ، از دو جانب « اورک » (Ourcq) شکست خورده و متفقین در سمت « فر - آن - تاردنوا » (Fer-en-Tardenois) پیشروی کردند . در تحت تأثیر این فشار ، آلمانها به بهبودگی اراضی که در ۱۵ ژویه در جنوب « مارن » تصرف کرده بودند واقف گشته و از حفاظت آنها منصرف شدند : در شب ۲۰ به ۲۱ ، ارتش ۷ آلمان ساحل سمت چپ رودخانه را تخلیه کرده ، و قدم بقدم در جلوی ارتش ۵ فرانسه ، که اینک با حفظ ارتباط با جناح راست ارتش ۶ پیشروی مینماید ، بعقب نشینی پرداخت .

در ۲۳ ژویه ، فرورفتگی « شاتو - تیه ری » (Château-Thierry) تا نیمه محدود گردید ، اینک فرورفتگی مزبور ، در حوالی « فر - آن - تاردنوا » به مسیر علیای « اورک » متکی میباشد . اکنون اگر آلمانها بزمین چسبیده و از آن دفاع کنند ، فقط برای این است که فرصتی تحصیل نمایند تا بتخلیه ذخائریکه در مسیر « ول » (Vesle) متراکم شده بود موفق گردند .

در ۳۰ ژویه ، ارتش ۱۰ مجدداً در شمال « اورک » حمله ور شد . این دفعه ، فرورفتگی کاملاً تخلیه گردید ، جناح راست ارتش « مانژن » (Mangin) [ارتش ۱۰] تا « بازوش » (Bazoches) پیشروی کرد ، و جناح چپ آن بحومه جنوبی « سوا سن » رسید : ارتش « دگوت » (Degoutte) (ارتش ۶) پیشروی خود را تا « فیم » (Fisme) ادامه داد ، و ارتش « برتلو » (Berthelot) [ارتش ۵] در اراضی مشرف به « ترنس » بکنار رود « ول » رسید .

اکنون تعرض متقابله متفقین به هدف خود نائل آمده بود .

اینک تعرض شاهراه بزرگ پاریس به « شان لن » ، و حتی ماوراء آرا رهائی بخشید : ولعهد آلمان را مجبور کرد تمام قوای احتیاطی خود را بکار برد : مهمتر از اینها ، « لودندروف » را وادار نمود ، از ترس اینکه مبادا نبرد در سمت مغرب هم توسعه یافته و در جبهه ارتشهای ۹ و ۱۸ نیز مشتعل گردد ، عده‌هایی



تعرضة لقائمة ١٨ روية متعدين

(مقال صفة ٦٣٢)

از گروه ارتشهای «روبرخت» (Ruprecht) و لیبهد «باویر» (۱) برداشت کرده و بدینوسیله خط خود را در دو سمت «او آز» تقویت نماید. این برداشتها آنرا ترك نقشه تعرض «فلاندر» را بطور قطع ایجاب نمود. طولی نکشید که متفقین دریافتند که حریف آنها کوئی تصمیم گرفته است از این بعمد حالت تدافعی مطلقى اتخاذ کند، زیرا میدیدند که آلمانها تدریجاً فرورفتگی «لیس» (Lys) و سربلهای ساحل سمت چپ «آور» (Avre) و ساحل سمت چپ «آنکر» (Ancre) را تخلیه مینماید. بالاخره، این پیشروی فاتحانه تلفات عمده‌ای بآلمانها متوجه نمود: ۳۰،۰۰۰ سیر ۸۰۰ توپ و ۶،۰۰۰ مسلسل بدست متفقین افتاد. جبران این تلفات برای آنها مقدور نبود، و از اینرو چاره منحصر بفردی که بنظر آنها میرسید این بود که برای تکمیل واحدهای تحلیل رفته بمنحل کردن لشکرها توسل جویند.

۳- «دستور» ۲۴ ژویه فرمانده کل ارتشهای متفقین

در ۲۴ ژویه، هنگامیکه نبرد دوم «مارن» جریان مساعد و رضایت بخش خود را تعقیب میکرد، فرمانده کل نیروی متفقین فرماندهان کل ارتشهای امریکا، انگلیس و فرانسه را بقرارگاه خود دعوت نمود، تا اینکه وضعیت کلی و «نقشه کلی عملیات» خود را مطرح کند.

ژنرال «فش» (Foch) نخست تذکر داد که فوق عددی دشمن اکنون دیگر وجود ندارد و بمناسبت ورود دائمی قوای امریکائی، روز بروز بشماره واحدهای متفقین افزوده میشود، و بالعکس قوای احتیاطی حریف پیش از پیش بتحلیل رفته و تقلیل مییابند: آنگاه، افزایش دائمی قدرت مادی متفقین را (هوا پیمائی،

(۱) در این تاریخ، گروه ارتشهای دیگری برماندهی ژنرال «فن بون» (Von Böhn) با ترکیب ارتشهای ۹، ۱۸ و ۲ تشکیل گردید، و ژنرال هذکور فرماندهی ارتش ۷ را بر ژنرال «فن ابرهارد» (Eberhardt) واگذار کرد.

ارابه‌های جنگی ، توپخانه) شرح داده ، و بالاخره فوق روحی قوای خودی را مدلل داشته و در پایان اظهارات خود چنین نتیجه گرفت که « اینک آن موقع فرارسیده است که رویه کلی تدافیرا ، که تا کنون فوق عدوی دشمن بر ما تحمیل کرده بود ، ترك گفته و دیگر بار رویه تفرغی را اختیار کنیم » .

آنگاه نقشه عملیات خود را شرح داد و گفت که این نقشه شامل ۵ عمل است ، که در اجرای آنها مقدم بر هر چیزی آزادی عمل استراتژیک و آزادی عمل اقتصادی (که هر دو از دست رفته بود) تأمین گردد . عملیات پنجگانه فوق میبایستی استرداد نقاط ذیل را هدف سازد :

۱ - راه آهن « شالون - پاریس » (Châlons-Paris) | برای استرداد این راه آهن ، عملیاتی جریان داشت ، و نتیجه آن در اواخر ماه عاید خواهد شد .
۲ - منطقه « آب ویل » (Abbeville) و راه آهن « آمین - پاریس » (Amiens-Paris) .

۳ - راه آهن « نانی - پاریس » (Nancy-Paris) که در سمت « کمرسی » (Commercy) قطع شده بود .

۴ - آن قسمت از معادن « بروه » (Bruay) ، که هنوز هم دارای فعالیتی بودند .
۵ - منطقه « پا - دو - کاله » (Pas-de-Calais) .

ژنرال « فیس » توجه فرماید هان کل ارتشهای متفقین را به نکته ذیل معطوف نمود ، باین مضمون : « اگر این عملیات بتایج مطلوبه منتهی گردید ، بایستی از حالا ، یعنی قبل از آنکه قسمت عمده فصل سبزی شده باشد ، تفرغ عمده ای برای پایان تابستان یا آغاز پائیزی بینی نمایم ، بقسمیکه موفقتهای ما بیش از پیش توسعه یافته و اندک مجالی بحرف داده نشود . ژنرال « فیس » نسبت بامکان عقب نشینی های بی دریی دشمن ، توجه مخصوصی ابراز میداشت ، چنانکه میگفت : « در قبال اینگونه مانورهای دشمن ، ارتشهای ما نباید در شکست مانده و یا اینکه اغفال شوند » .